

معرفی

سعید محمودی ازناوه، متولد ۱۳۴۶ در تهران، فارغ التحصیل رشته‌ی حفاظت و مرمت آثار تاریخی از دانشکده‌ی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است. ایشان هم چنین از «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، مدرک درجه‌ی یک هنری (معادل دکترای عکاسی) دریافت داشته است. در کارنامه‌ی ایشان، تألیف آثار متعددی در حوزه‌ی ایران شناسی وجود دارد. از جمله؛ زیبایی‌های ایران، کاخ گلستان، ماسوله، کرمان، کردستان، یزد، شیراز، ایبانه، حرم مطهر امام رضا(ع) و... عکاسی کتاب‌های فهرست کتب ادبی و عرفانی کاخ گلستان، مصحف ایران، شاهنامه‌های ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، رویای بهشت (فرش ایران)، خانه‌های ایران از فعالیت‌های دیگر ایشان است. محمودی در حال حاضر عضو هیئت مؤسس و رییس هیئت مدیره‌ی «انجمن عکاسان دوست دار میراث فرهنگی و گردشگری ایران» و عضو رسمی «انجمن عکاسان صنعتی و تبلیغات ایران» و نیز «انجمن صنفی عکاسان مطبوعات» است. وی علاوه بر برگزاری ۲۰ نمایشگاه انفرادی در ایران، کره جنوبی، سنگاپور، سوریه، ترکمنستان، هندوستان و فرانسه، از سال ۱۳۸۸ تا کنون، در بسیاری مسابقات عکاسی، از جمله نهمین دوسالانه‌ی عکس ایران، برگزیده شده است. با او که داور پنجمین جشنواره‌ی عکس رشد نیز بود، گفت و گویی کرده ایم که می‌خوانید.



من یک عکاس خودآموخته‌ام

گفت و گو با سعید محمودی ازناوه
● اعظم لاریجانی

● از کی و کجا شروع به عکاسی کردید؟
○ علاقه‌ی من به عکس و تصویر به روزگار کودکی و عشق به سفر در نوجوانی و دیدن نادیده‌ها در جوانی‌ام باز می‌گردد. شاید همین علاقه باعث شد، در هشت سالگی دستگاه نمایش اسلاید بسازم یا بریده فیلم‌های سینمایی محلمان را جمع کنم. اما یادگیری و تجربه‌ی عکاسی به عنوان یک هنر را از زمان ورودم به «دانشکده‌ی میراث فرهنگی» و تحصیل در «رشته‌ی حفاظت و مرمت آثار تاریخی» آغاز کردم.





● عکاسی را کجا یاد گرفتید؟

○ من یک عکاس خودآموز هستم و تحصیلات آکادمیک ندارم. با مطالعه‌ی شخصی و کسب تجربه در کار، در این رشته تبحر لازم را پیدا کرده‌ام. در حقیقت با ۱۶-۱۵ سال کار، این تجربه را به دست آورده‌ام.

● دقیقاً از کی شروع به مطالعه و تجربه کردید؟

○ از ابتدای ورودم به دانشگاه، هم زمان مطالعه و عکاسی را شروع کردم.

● شما بیشتر در شاخه‌ی معماری عکاسی می‌کنید. چه شد که این شاخه را انتخاب کردید؟

○ آغاز تحصیل در رشته‌ی حفاظت و مرمت آثار تاریخی و دل بستگی روزافزونم به معماری ایران، سرآغاز ورود من به عکاسی معماری بود.

● آیا عکاسی معماری تعریف خاصی دارد؟

○ معماری هر ملتی، نشانگر فرهنگ و تمدن آن ملت است و عکاسی معماری نیازمند مطالعه و دقت نظر بالا برای درک این فرهنگ است. به تعبیر بسیاری از اهل فن، عکاسی معماری پایه‌ی دیگر شاخه‌های عکاسی است و زیرساخت تمام رشته‌های عکاسی به گونه‌ای با این رشته در ارتباط است.

● در عکاسی معماری چه معیارهایی باید رعایت شوند؟

○ اصول عکاسی معماری ارتباط تنگاتنگی با مهندسی معماری دارد. آشنایی با اصول معماری و عکاسی معماری لازم و ملزوم یکدیگرند. رعایت اصولی هم چون: پرسپکتیو صحیح، قطع خطوط شناخت نور و امثال این‌ها در عکاسی از معماری قدیم هر قومی هم، مطالعه‌ی هنر و تاریخ آن قوم لازم است. آشنایی با هنرهای وابسته به معماری و سیر تکاملی آن طی دوران‌های متفاوت و درک جزئیات فنی معماری، به عکاسی معماری در انتخاب کادر و ترکیب بندی مناسب کمک می‌کند.

● آیا ابزار خاصی برای عکاسی معماری لازم است؟

○ در عکاسی معماری، عموماً از دوربین‌های قطع

بزرگ استفاده می‌شود که با حرکت های مخصوص، به تصحیح پرسپکتیو کمک می‌کند. همین‌طور، برای رسیدن به عمق میدان های مناسب هم بهترند.

انواع لنزهای واید کاربرد زیادی در این نوع عکاسی دارند. علاوه بر آن، چون نیاز به وضوح بیشتر هم داریم، فیلم های حساسیت پایین بهتر جواب می‌دهند.

● آیا دوربین دیجیتال در این شاخه از عکاسی کاربرد دارد؟

○ بله. البته دوربین های دیجیتال قطع بزرگ گران هستند و استفاده از آن‌ها مقرون به صرفه نیست. به همین دلیل می‌توان از لنزهایی که برای تصحیح پرسپکتیو به کار می‌روند، استفاده کرد. این لنزها روی دوربین های قطع متوسط نصب می‌شوند و تا حدودی حرکت های لازم



را انجام می‌دهد.

● از ویژگی های عکاسی طبیعت هم بگویید.

○ طبیعت به تعبیر من معماری خداوند است و درک و ثبت زیبایی های خداوندی نیازمند درک هستی، شناخت طبیعت و ویژگی های آن است.

● معیارهای عکاسی طبیعت کدام اند؟

○ شناخت نور حرف اول را می‌زند؛ این که در چه ساعت و به چه شکلی از نور استفاده کنیم، برخلاف عقیده رایج که می‌گویند دو ساعت بعد از طلوع آفتاب و دو ساعت قبل از غروب آن بهترین وقت عکاسی است، در عکاسی طبیعت گاهی سرظهر بیشتر مناسب است. علاوه بر این، شناخت اقلیم هر منطقه هم به عکاس کمک زیادی می‌کند؛ این که در چه فصلی در کدام منطقه حاضر شود، مهم است. آب و هوای منطقه، دشت یا کوهستانی بودن منطقه، همه و همه اهمیت دارند. فرض کنید، اگر شما بخواهید گرما را در کویر نشان بدهید، حتماً باید تابستان را انتخاب کنید. به علاوه، پشتکار نقش عمده ای دارد. به لنزهای تله هم برای رسیدن به زوایای مناسب در مکان هایی که امکان نزدیک شدن به موضوع را نداریم، نیاز است. البته در عکاسی طبیعت لحظه و اتفاق را هم نمی‌شود نادیده گرفت. در لحظات ارزشمندی که نصیب ما می‌شوند، باید سرعت عمل داشته باشیم؛ مثل عکاسی از غروب که کمتر از یک دقیقه خورشید در حالت های متفاوت قرار می‌گیرد.

● چند کلمه با توصیه‌ی کلیدی برای عکاسانی که در ابتدای راه عکاسی از طبیعت و انبیهی تاریخی هستند، می‌گویید؟

○ موفقیت در عکاسی مساوی است با درک هستی، شناخت نور، حضور مستمر و به موقع، پشتکار، بهره‌مندی از تجارب دیگران و تأمل در نتیجه‌ی کار.

● تفاوت عکاسان ایرانی و دیگر کشورها را در چه می‌بینید؟

○ به معنای ذاتی تفاوتی ندارد. تنها در بهره‌مندی از تجهیزات و تجارب عکاسی جهان و ارتباط به روز با دنیای عکاسی، تفاوت هایی هست که به سرعت پشت سر گذاشته خواهد شد.

● در آموزش عکاسی چه طور؟ تفاوتی وجود دارد؟

○ حتماً تفاوت های عمده ای در نوع آموزش ها وجود دارند. آموزش عملی هم گام با آموزش های نظری، برگزاری کارگاه های عکاسی و تحلیل عکس های هنرجویان در کلاس های درس می تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

● شما سابقه‌ی آموزشی هم دارید؟

○ اگر مقصود از آموزش، تدریس در دانشگاه باشد، چند ترمی به دانشجویان کاردانی به کارشناسی رشته‌ی گرافیک، عکاسی سیاه و سفید و عکاسی رنگی را درس داده ام. در کارگاه های آموزشی عکاسی معماری در سازمان های گوناگون هم شرکت داشته ام. در ضمن، تألیفاتی هم که در حوزه‌ی عکاسی داشته ام، در بسیاری از دانشگاه‌ها به عنوان کتاب مرجع عکاسی ایران شناسی مورد استفاده‌ی دانشجویان و دانش پژوهان قرار می‌گیرد.

● عنوان چند نمونه از تألیفاتتان را می‌فرمایید؟

○ کتاب های متعددی در حوزه‌ی ایران شناسی دارم، مثل: «کاشان مروارید کویر»، «زیبایی های ایران»، «تخت جمشید بارگاه تاریخ»، «حرم مطهر امام رضا(ع)»، «رقیای بهشت (فرش ایران) و خانه های ایران» و بعضی آثار دیگر.

● چه توصیه ای برای مدرسان این رشته در هنرستان ها دارید؟

○ روی صحبت من در واقع به پایه گذاران درس های عکاسی در هنرستان و سپس مدرسان این رشته است. برای رشد و پرورش نگاه جدی هنرجویان، کتب درسی به تجدیدنظر اساسی نیاز دارند. در واقع شیوه‌های آموزشی، همگام با جهان پیش نمی‌رود و برای رسیدن به نتیجه، هنوز در تکرار به سر می‌بریم. آشنایی هنرجویان با این شیوه‌ها لازم است اما آن چه نهایتاً مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نتیجه است.

● آیا مدرس خوب لزوماً باید عکاس خوبی هم باشد؟

○ عموماً این طور نیست. بعضی از عکاسان خوب،

نمی‌توانند مدرسان خوبی باشند و ۹۰ درصد مدرسان عکاسی در دانشگاه هم بیشتر مدرس خوبی هستند تا عکاس خوب. البته اگر باشند خیلی بهتر است.

● چه شیوه ای در آموزش مؤثرتر است؟

○ من به تدریس میدانی عقیده دارم، یعنی این که بچه‌ها در محل عکاسی کنند. اما در حال حاضر شرایط و امکانات مناسب وجود ندارد. این است که فارغ التحصیلان این رشته تجربه لازم را ندارند.

● و حرف آخرتان؟

○ به نگاه عکاسان جوان و تازه کار احترام بگذاریم. راهنمایی و همراهی به موقع عکاسانی که هنوز درگیر کارهای از پیش تعیین شده و تکراری نیستند، بدون اعمال نظرهای خاص آن هم در زمان مناسب، از آن ها عکاسان مستقل و صاحب اندیشه ای خواهد ساخت؛ ان شاءالله.

